

درس سوم

پنجره‌ای به روشنایی

استفاده از سرمایه‌های خداوند را خیار ما قرار داده محدود است یا نامحدود؟ «محرمان»
در درس قبل، به معرفی برخی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسان برای رسیدن به هدف خلقت پرداختیم.
(ما برای استفاده از این سرمایه‌ها فرصت محدودی داریم. فرصتی که با مرگ انسان پایان می‌یابد.)
هر انسانی که پا به عرصه وجود می‌گذارد، در یکی از مراحل زندگی، مرگ به سراغش خواهد آمد
و پرونده زندگی او را در این دنیا خواهد بست؛ بنابراین انسان را از مرگ گزینی نیست. (گرنه تا بدین
چستی مرگ و آینده انسان پس از آن، از پرسش‌های فراگیری است که در طول تاریخ، ذهن عموم
انسان‌ها را به خود مشغول کرده است) و آنان کوشیده‌اند تا به این پرسش‌های اساسی و سرنوشت‌ساز
پاسخ دهند: از پرسش‌های فراگیری که در طول تاریخ، ذهن عموم است آنها را به‌تور
چه سرانجامی در انتظار انسان است؟ مشغول کرده است؟ چیست؟
آیا دفتر زندگی وی با مرگ بسته می‌شود؟ یا پس از آن زندگی به شکل دیگری ادامه می‌یابد؟
در این درس، علاوه بر شناخت اصلی‌ترین دیدگاه‌ها در پاسخ به پرسش‌های بالا، به پیامدهای اعتقاد
به هریک از آنها در زندگی می‌پردازیم.

روحه
در صامبر

پرسش‌های فراگیری = پرسش‌های
آینده انسان پس از آن

انسانها در برخورد با مرگ چند دیدگاه دارند آن ها را نام ببرید

- ۱- اعتقاد به معاد
- ۲- نگرانی معاد

هنگامی که انسان چشم از این دنیا فرو می بندد و پرونده زندگی چندین ساله اش با مرگ بسته می شود، چه سرنوشتی در انتظار اوست؟ آیا یکباره راهی دیار فنا و نیستی می شود؟ اگر چنین است، پس داستان زندگی انسان پایانی اندوهناک دارد. اما اگر بعد از مرگ، جهان دیگری در کار است و آدمی با مرگ نیست و نابود نمی شود، در آنجا چه سرنوشتی خواهد داشت؟

درباره زندگی پس از مرگ دو دیدگاه وجود دارد: **۱- ابعاد وجودی انسان را نام ببرید و سرنوشتی هر کدام را بنویسید.** (وما هذا الحیة الدنیا...)

دقت در آیات مربوط به آفرینش انسان، نشان می دهد که انسان دارای **دو بُعد جسمانی و روحانی** است. **بُعد جسمانی** مانند سایر اجسام و مواد، دائم در حال تجزیه و تحلیل است و سرانجام فرسوده و متلاشی می شود. در مقابل، **بُعد روحانی** و غیرجسمانی انسان، تجزیه و تحلیل نمی پذیرد، متلاشی نمی شود و بعد از مرگ بدن، باقی می ماند و آگاهی و حیات خود را از دست نمی دهد.

پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی پندارند؛ بلکه آن را غروبی برای جسم و تن انسان و طلوعی در خشان تر برای روح انسان می دانند. **یابی** به حساب می آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل می کند. در این دیدگاه دنیا تنها بخش کوچکی از زندگی انسان است و زندگی واقعی و ابدی پس از این دنیا آغاز می شود. رسول خدا ﷺ در این باره می فرماید:

① برای نابودی و فنا خلق نشده اید، بلکه برای بقا آفریده شده اید و با **مرگ** تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می شوید. **موضوع: ترسیدن بر آنست حال انسان**

از ایشان پرسیدند: باهوش ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟ **کفور تحریر ۲۵**
فرمود: آنان که فراوان به یاد مرگ اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می کنند. **۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰**

در این دیدگاه، **زندگی دنیوی همچون خوابی کوتاه و گذرا بوده است و زندگی حقیقی در جهان دیگر آغاز می شود.** آن گونه که پیامبر ﷺ می فرماید:

③ **النَّاسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا، انْتَبَهُوا**
مردم [در این دنیا] در خوابند، هنگامی که بمیرند، بیدار می شوند.

موضوع: کم ارزش بودن زندگی دنیوی

۱-سوره ص، آیات ۷۱ و ۷۲
 ۲-تصحیح الاعتقاد، شیخ مفید، ص ۴۷
 ۳-المحجة البيضاء، فیض کاشانی، ص ۲۴۲
 ۴-تنبيه الخواطر و نزهة التواظر، ورام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۱۵۰

بیطا الهیون (پیامبران الهی) درباره مرگ صحبت می کنند و با وجود آنی مرگ را پایان بخش دفتر زینتانی اب ان نمی دانند؟ (توضیح دهید)

۳ قرآن نیز این گونه بر کم ارزش بودن زندگی دنیوی و حقیقی بودن زندگی آخرت تأکید می کند:

این زندگی دنیا،
جز سرگرمی و بازی نیست
و سرای آخرت،
زندگی حقیقی است.
اگر می دانستند!

و ما هذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ
وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ
لَهِيَ الْحَيَوَانُ
لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

توضیح دنیا

تاریخ آخرت

موضوع: تفاوت دنیا و آخرت

به دیدگاه اولیاء راه داران، بیاداری راه ندارد

بیامد (توضیح)

۱- با این دیدگاه، پنجره امید و روشنایی به روی انسان باز می شود و شور و نشاط و انگیزه فعالیت و کار، زندگی را فرا می گیرد.
قرآن کریم می فرماید:

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ (علت)

وَ عَمِلَ صَالِحًا

فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

(به دیدگاه و بیاداری راه دارد)

وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ^۲ (معلول) (بیاداری اعتقاد به معاد)

این شور و نشاط به این دلیل است که انسان می داند هیچ یک از کارهای نیک او در آن جهان بی پاداش نمی ماند؛ زیرا هر غمی را که از دل غمگینی پاک می کند و هر خدمتی را که به محرومی می کند و هر باری را که از دوش مؤمنی برمی دارد، در پیشگاه خداوند دارای اجر و مزد است. حتی کسی آن را نبیند یا در آن کار موفق نشود و یا در برابر کارهایش تقدیر و تشکری از سوی دیگران صورت نگیرد، ناامید و افسرده نمی شود، زیرا می داند که خداوند او و تلاش هایش را می بیند و نیز اطمینان دارد که اگر در این مسیر ظلمی به او بشود و نتواند داد خود را از ظالمان بستاند، قطعاً در جهان دیگری خداوند آنها را به سزای اعمالشان خواهد رساند.

۱- سوره عنکبوت، آیه ۶۴

۲- سوره مائده، آیه ۶۹

تجدید راه بیاداری به افزایش شور و نشاط - اقرار بر زینت کار و تلاش

اندر فوق العاده

چنین انسانی دارای انرژی فوق العاده و همتی خستگی ناپذیر می شود و از کار خود لذت می برد. او با تلاش و توان بسیار در انجام کارهای نیک و خدمت به خلق خدا می کوشد و می داند که هر چه بیشتر در این راه گام بردارد، آخرت او زیباتر خواهد بود.

الف ۲- انسان دیگر ترسی از مرگ ندارد و همواره آماده فداکاری در راه خدا است. خداپرستان حقیقی گرچه در دنیا زندگی می کنند و زیبا هم زندگی می کنند؛ اما به آن دل نمی سپرند؛ از این رو، مرگ را ناگوار نمی دانند. آنان معتقدند که مرگ برای کسانی ناگوار و هولناک است که زندگی را محدود به دنیا می بینند یا با کوله باری از گناه با آن مواجه می شوند. ترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می کنند، بلکه آنان از خداوند عمر طولانی می خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسانها، زمینه رشد خود را فراهم آورند تا بتوانند با اندوخته ای کامل تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

ب) از طرف دیگر، همین عامل سبب می شود که دفاع از حق و مظلوم و فداکاری در راه خدا آسان تر شود و شجاعت به مرحله عالی آن برسد و آن گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد، و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسانها به استقبال شهادت بروند و با شهادت خود راه آزادی انسانها را هموار کنند؛ از این رو، آن گاه که امام حسین علیه السلام در دوراهی ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود: *شوم ز زینر همراه بانند و ذلت بحامل سعادت یافتن مرگ می باشد.* من مرگ را جز سعادت، و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی بینم. *(بیامد دوم) اعتبار به امام*

امام حسین علیه السلام خطاب به یاران خود نیز فرمود: *به درگاه پیامبر ره دارم*
مرگ چیزی نیست مگر پلی که شما را از ساحل سختی ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت های پهناور و نعمت های جاوید عبور می دهد. پس کدام یک از شما کراهت دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟^۲

مردی از میان سخن های رسا و کرامت آ آخرت است. (بیامد دوم) اعتبار

بیشتر بدانیم

پرواز عاشقانه

ای خدایی که عشق تو، قلب مرا به لرزه درمی آورد و روحم را به پرواز وامی دارد. اینک پرواز به سوی تورا بر گزیده ام. بال هایم را به واسطه بی لیاقت بودنم و به جرم گناهانم نسوزان.

کلیله و دمنه، فداکاری / (ذبح از حق) مطهر (سجده)

۱- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۸۱
۲- معانی الأخبار، شیخ صدوق، ص ۲۸۸

خدایا می خواهم به ملاقات تو بیایم و به ملاقات رسول تو که روح فدای او باد. ای یاری کسان
ای دریابنده از خود بی خود شدگان. به خودت قسم که در این جهان دیگر نمی گنجم و منتظر
رسیدن فرمان تو هستم. به خودت سو گند که در این جهان بدون تویی کس و تنها و نا امیدم
همه چیزم تویی، امیدم تویی، هستی ام تویی، عشقم تویی. اینک کوله بار پر از گناه خویش
بر دوش می گیرم و در انتظارم تا دعوت خدایم را لبیک گویم. مبادا دعوتم نکنی! می خواهم این
قلب شکافته شود و پیکرم متلاشی گردد تا روحم از این قفس بیرون آید و به سوی تو پرواز
کند. شهادت سرمایه ماست. شهادت پرواز عاشقان است. شهادت اوج ایمان است.
بر گزیده ای از دست نوشته های شهید سید محمود افتخاری

عزت
مطلوب
عزت
۲- انکار معاد ^{مطلوب} ^{عزت} بی ارزش شدن زین در دنیوی

گروهی وجود جهان پس از مرگ را انکار می کنند و با فرا رسیدن مرگ انسان و متلاشی شدن جسم
او، پرونده او را برای همیشه می بندند. در این دیدگاه، مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی
زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می شود و حیات او پایان می یابد و رهسپار نیستی می گردد.

وَ قَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا
نَمُوتُ وَ نَحْيَا
وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ
وَ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ
إِلَّا يَظُنُّونَ

[کافران] گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و
حیات دنیایی ما نیست
همواره [گروهی از ما] می میریم و [گروهی] زنده
می شویم
و ما را فقط گذشت روزگار نابود می کند.
البته این سخن را از روی علم نمی گویند بلکه فقط
ظن و خیال آنان است.

رنگاه منظران معاد

X

آثار انکار معاد

و سزای مهمان:

الف از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که بی نهایت طلب است و میل به جاودانگی دارد، این است که می کوشد راه فراموش کردن و غفلت از مرگ را پیش بگیرد و خود را به هرکاری سرگرم سازد تا آینده تلخی را که در انتظار دارد، فراموش کند.

ب-

روشن است که این شیوه، عاقبتی جز فرو رفتن در گرداب آلودگی ها نخواهد داشت. اما گروهی دیگر که نمی توانند فکر مرگ را از ذهن خود بیرون برانند، همین زندگی چندروزه نیز برایشان بی ارزش می شود؛ در نتیجه به یأس و ناامیدی دچار می شوند و شادابی و نشاط زندگی را از دست می دهند؛ از دیگران کناره می گیرند و به انواع بیماری های روحی دچار می شوند. گاهی نیز برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راه هایی قدم می گذارند که روز به روز بر سرگردانی و یأس آنان می افزاید.

البته این آثار و پیامدها، گریبان کسانی را نیز که معاد را قبول دارند، اما این قبول داشتن به ایمان و باور قلبی تبدیل نشده است، می گیرد. این افراد به دلیل فرورفتن در هوس ها، دنیا را معبود و هدف خود قرار می دهند و از یاد آخرت غافل می شوند و از این رو، زندگی و رفتار آنان به گونه ای است که تفاوتی با منکران معاد ندارد. (جواب سوال اول)

فعالیت کلاسی

- ۱- آیا گروهی که راه بی توجهی و غفلت از مرگ را پیش می گیرند، شیوه درستی را انتخاب کرده اند؟ چرا؟
- ۲- با دقت در جریانات و اتفاقات پیرامون خود، برخی از اعمال و رفتارهایی که ناشی از فراموشی و غفلت از آخرت است را بیان کنید.

X

حجم مصرف از ذخایر و منابع زمین در صدسال اخیر برابر با تمام طول عمر بشر بوده است. قرآن کریم، سرنوشت چنین کسانی را که مرگ و زندگی برتر را فراموش کرده اند، این گونه ترسیم می کند:

«آنان که دین خود را به سرگرمی و بازی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفت. پس امروز آنان را از یاد ببریم. همان طور که آنان دیدار امروزشان را از یاد بردند و آیات ما را انکار می کردند»^۱.

۷- لیجار سُوروت طابیرا مری درست و بکاربری استعدادهای رسیدن به قرب خدا

هدف اصلی و اهداف اخروی که خود موجب تحقق اهداف دنیائی می شود.

اندیشه و تحقیق

- چرا برخی از افراد با اینکه می گویند آخرت را قبول دارند، در زندگی خود به گونه ای عمل می کنند که گویی آخرتی در پیش نیست؟ *هم جواب کتاب درسته هم این که حوله الایلا یقین و صوی نوار نرو ستار را*
 - آیا توجه به آخرت، لزوماً بی توجهی به دنیا و عقب ماندگی را در پی دارد؟ *صرفاً در اندیشه پذیرفته انزه*
 - چرا منکرین معاد، مرگ را باعث نابودی آدمی می دانند؟ شما چه پاسخی به آنها می دهید؟
- *جوله جبهت و جودی انسان را. چیس من رانند و کذبت روزگار را...*
علت نابودی خود می دانند

پیشنهاد

به آثار و زندگی یکی از شهدای دفاع مقدس و یا مدافعان حرم مراجعه کنید و ببینید که آنان درباره زندگی و مرگ چگونه می اندیشیدند. انگیزه شهادت طلبی آنها چه بوده است؟^۲

۱- سوره اعراف، آیه ۵۱

۲- مطالعه کتاب‌هایی مانند «مجموعه قصه فرماندهان» از حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و «خدا بود و دیگر هیچ نبود» اثر دکتر مصطفی جمران، برای آشنایی با شهدای دفاع مقدس و همچنین مطالعه کتاب‌های «شبیهِ خودش»، «دیدار پس از غروب» و «مدافعان حرم» برای آشنایی با شهدای مدافع حرم پیشنهاد می شود.